آیم از ین ... وناز   رشته مینوا ...   ابو ...

نماند که این قصیده علیه در بحر بسیط واقع شده که اصل آن هر
مصراع دو بار مستفعلن فاعلن است و این بیت چهار حرف مثلث شده
چهار دو از ان متحرک و باقی ساکن است و اشباع بسیر کردن است
و مراد اینجا سیر کردن حرکت است یعنی ضمه را یا فتحه یا کسره ان
مقدار کشش دهد که واو یا الف یا یا در تلفظ آید چنانچه کسره
سلم الکشش در هر دو جا بطریق سیمی در تلفظ آید تا بروزن فعلن
شود مثل این اشباع در اواخر مصاریع ورود یافته و گاه گاهی
در میان مصاریع نیز وجود گرفته و حرفی که بواسطه اشباع در
در تلفظ آید از اد در تقطیع اعتبار نمایند و هر تغیر که در ارکان
بحر واقع شود آنرا زحاف خوانند و این تغیر که بحذف حرف دوم
ساکن از ارکان بحر واقع شود انرا خبن گویند چنانچه از
مستفعلن سین را انداخته و از فاعلن الف را و متفعلن
و فعلن مانده چون متفعلن کلمه مستعمل نیست بجای آن مفاعلن گویند و این
میکند رانمه شاعر درین قصیده رکن چهارم بحر هر مصراع را مخبون
التزام کرده و رکن سیوم را بسالم بیاورده و باقی مختلف اند و دو

کشته

خال را هر دو ... نسبتی با زلفت   ... دام لا لوکرای ان دانا   ما ...

کشته و ان چهار صورت دارد یکی آنکه هر دو مخبون باشند مثل این
تذکر جیران بذی سلم تقطیعه امن تذک مفاعلن کر جی فعلن ران بذی مستفعلن سلم فعلن
مستفعلن فعلن دوم آنکه هر دو سالم باشند مانند ام هبت الریح
من تلقاء کاظمة ام هبت مستفعلن ریح فاعلن تلقاء کا مستفعلن ظمة
فعلن سیوم آنکه اول مخبون باشد دوم سالم همچون در دوم
الظلم مراد هب تقطیعه او ده مفاعلن ... فاعلن ... مستفعلن
ذهبت فعلن چهارم برعکس این مانند ... تقطیعه
تقطیعه مستفعلن ... فاعلن ... مستفعلن ... فعلن و هذا القدر
یکفینا من التحقیق فی المقصد فنقصد ما شرع بعون الملک المعبود

امن تذکر جیران بذی سلم مزجت دمعا جری من مقلة بدم همزه استفهامیه است

من تذکر جار و مجرور است متعلق بمزجت و وجه تقدیم جار و مجرور بر متعلق
آنست که همزه استفهامیه تقاضا میکند صدارت را اگر متعلق مقدم
آید همزه برو داخل میشود پس استفهام از امتزاج شود حالانکه امتزاج
امری است محسوس و مشاهد احتیاج باستفهام ... [illegible]
او امری است غیر معلوم احتیاج دارد باستفهام ... داخل ... استفهام

Copyright © King Saud University